

The Effectiveness of Implementing a Philosophy for Children Program on Perceived Competence and Cognitive Flexibility of Orphaned Boys

Ali Akbar Kabiri*, Ali Ghasemi**

Saeed Mazbohi***

Abstract

The aim of the present study was to investigate the effectiveness of implementing a Philosophy for Children (P4C) program on the perceived competence and cognitive flexibility of orphaned boys. The quasi-experimental research was based on a pretest-posttest control group design. For this purpose, 32 unattended boys in the age groups B (nine and ten years old) and C (eleven and twelve years old) of Azna boarding center were selected by convenience sampling method and were randomly assigned to two control and experimental groups. The statistical sample of the study completed the perceived competence and cognitive flexibility questionnaires as the research instruments before and after training. The Philosophy for Children course was held during eight weekly two-hour sessions. The findings of this study, using analysis of covariance, showed that the implementation of the P4C program, with a certainty of 95% ($p < 0.05$), leads to increased perceived competence (64% for cognitive, 54% for social, and 51% for physical), and cognitive flexibility (70%) in

* PhD Student of Educational Technology, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran,
kabiriakbar98@yahoo.com

** PhD in Philosophy of Education, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran (Corresponding Author),
alibm65@yahoo.com

*** Assistant Professor of Preschool Education, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran,
s.mazbohi@gmail.com

Date received: 27/06/2021, Date of acceptance: 21/11/2021

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

the experimental group. According to the results of this study, the P4C program can be used as a suitable solution to increase perceived competence and cognitive flexibility of orphaned boys.

Keywords: Perceived Competence, Cognitive Flexibility, Philosophy for Children.



اثربخشی اجرای برنامه فلسفه برای کودکان بر ادراک شایستگی و انعطاف‌پذیری شناختی کودکان پسر بی‌سرپرست

علی اکبر کبیری*

علی قاسمی**، سعید مذبحی***

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر اجرای برنامه فلسفه برای کودکان بر ادراک شایستگی و انعطاف‌پذیری شناختی کودکان پسر بی‌سرپرست بود. طرح پژوهشی نیمه آزمایشی براساس پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل بود که به همین منظور ۳۲ نفر از پسران بی‌سرپرست گروه سنی ب (نه و ده‌ساله) و ج (یازده و دوازده‌ساله) مرکز شبانه‌روزی شهرستان ازنا به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و با گمارش تصادفی در دو گروه کنترل و آزمایش جای داده شدند. نمونه آماری پژوهش پرسشنامه‌های ادراک شایستگی و انعطاف‌پذیری شناختی که ابزار این پژوهش بودند را پیش از آموزش و پس از آموزش تکمیل کردند. دوره آموزشی فلسفه برای کودکان در طی هشت جلسه هفتگی به مدت ۲ ساعت برگزار شد. یافته‌های حاصل از این تحقیق با استفاده از تحلیل کوواریانس نشان داد که اجرای برنامه فلسفه برای کودکان با اطمینان ۹۵ درصد ($P < 0/05$) منجر به

* دانشجوی دکتری تکنولوژی آموزشی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران،

Kabiriakbar98@yahoo.com

** دکترای فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول)،

alibm65@yahoo.com

*** استادیار گروه آموزش و پرورش پیش‌دبستانی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران،

s.mazbohi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۳۱

افزایش ادراک شایستگی (شناختی ۶۴٪، اجتماعی ۵۴٪ و جسمانی ۵۱٪) و انعطاف‌پذیری شناختی ۷۰٪ در گروه آموزش شده است. با توجه به نتایج به دست آمده از این پژوهش می‌توان برنامه فلسفه برای کودکان را به‌عنوان راهکاری مناسب به‌منظور افزایش ادراک شایستگی و انعطاف‌پذیری شناختی کودکان پسر بی‌سرپرست مورد استفاده قرار داد.

کلیدواژه‌ها: ادراک شایستگی، انعطاف‌پذیری شناختی، فلسفه برای کودکان.

۱. مقدمه

کودکانی که در پرورشگاه‌ها زندگی می‌کنند محروم از الگوهای ویژه تربیتی هستند و آنان در طول زندگی خود در محیط پرورشگاهی با انسان‌ها، باورها و فرهنگ‌های مختلف و گاهی متضاد آشنا می‌شوند و تحت تأثیر آنان قرار می‌گیرند. مطالعات انجام شده در مورد مشکلات موجود در این مراکز حاکی از عدم وجود نظام تربیتی منسجم و هدفمند برای کودکان شبانه‌روزی است (صفار حمیدی، ۱۳۹۵: ۲).

ادراک شایستگی (perceived competence) از مهم‌ترین متغیرهایی است که در بهزیستی کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست نقش مهمی ایفا می‌کند. ادراک شایستگی بین همه انسان‌ها وجود دارد و یک نیاز اساسی و شناختی است که تأثیر گسترده‌ای بر زندگی روزمره، شناخت و رفتار انسان‌ها دارد، بسیاری از محققان ادراک شایستگی را به‌عنوان سنگ بنای رشد اجتماعی و عاطفی کودکان در نظر می‌گیرند (مردوخی و همکاران، ۱۳۹۸: ۴). ادراک شایستگی به قضاوت کلی فرد درباره خود گفته می‌شود که به آگاهی فرد از ویژگی‌ها، ظرفیت‌ها و توانایی‌های شخصی و نوع روابطش در برخورد با دیگران مربوط می‌شود. افزون بر این، ویژگی‌های شناختی، بستر اجتماعی و فرهنگی نیز بر پیدایش و تحول ادراک‌های خود و عواطف مشابه یا بر خواسته از آن تأثیرگذار است. یافته‌های برخی از پژوهش‌ها نشان داده است، ادراک شایستگی می‌تواند کیفیت روابط بین فردی با هم‌سالان را تحت تأثیر قرارداد و از طرفی ادراک عدم شایستگی می‌تواند منجر به احساس تنهایی و عدم پذیرفته شدن از سوی گروه همسالان شود (Wentzel et al, 2019: 6).

ادراک شایستگی محرکی چندبعدی است که فرد را در حوزه‌های آموزشی، اجتماعی و شناختی هدایت می‌کند. بر اساس این دیدگاه، ادراک شایستگی یک ساختار کلیدی در بیش‌تر مدل‌های نظری مربوط به انگیزه پیشرفت است، در واقع لذت درونی که از موفقیت

به دست می آید منجر به افزایش تلاش برای موفقیت می شود، ادراک عدم شایستگی و نارضایتی منجر به اضطراب و کاهش تلاش برای موفقیت می گردد بنابراین اهمیت ادراک شایستگی به عنوان یک عنصر شناختی تأثیرگذارتر سلامت روان دانش آموزان و موفقیت های تحصیلی آنان نقش تعیین کننده ای دارد (Chen et al,2013:14). در پژوهشی بیان کردند که بین میزان درگیری تحصیلی، مشارکت در بحث های گروهی و استفاده از فناوری های اطلاعات و ارتباطات در محیط مدرسه و خانه توسط دانش آموزان ادراک شایستگی آنان رابطه مستقیم وجود دارد. کنترل بیش از حد والدین، فرصت های کودکان برای دست یابی به ادراک شایستگی را کاهش می دهد، در واقع، از توانایی درک شده آنان می کاهد و منجر به ایجاد استرس و اضطراب در آنان می گردد (Libor Johanak et al,2019:8).

نتایج پژوهش کوهی نژاد و سالاری (۱۳۹۵:۱)، با عنوان بررسی اثربخشی آموزش تفکر انتقادی بر ادراک شایستگی و روحیه پرسشگری دانش آموزان پسر پایه ششم حاکی از آن بود که آموزش تفکر انتقادی موجب افزایش ادراک شایستگی در ابعاد شناختی، اجتماعی و جسمانی شده است، همچنین اجرای این برنامه روحیه پرسشگری دانش آموزان را نیز بهبود بخشیده است. صفار حمیدی و همکاران (۱۳۹۶: ۱)، در مطالعه ای با عنوان بررسی تأثیر آموزش مثبت اندیشی بر ادراک شایستگی و مهارت های اجتماعی کودکان بی سرپرست و بد سرپرست نشان دادند که آموزش مثبت اندیشه بر همه ابعاد ادراک شایستگی (شناختی، اجتماعی و جسمانی) و مهارت های اجتماعی آنان تأثیر مثبت داشته است. در پژوهش های بسیاری تأثیر والدین از طریق تشویق، درگیری و الگو پردازی بر ادراک شایستگی کودکان به شیوه مستقیم و غیرمستقیم تأیید شده است (John&Emily,2014:2).

انعطاف پذیری شناختی (Cognitive flexibility) یکی دیگر از متغیرهایی است که نقش به سزایی در بهزیستی کودکان و نوجوانان بی سرپرست دارد. انعطاف پذیری شناختی به معنای توانایی تغییر آمایه های شناختی به منظور با محرک های در حال تغییر محیط است. این توانایی ها شامل توانایی تغییر دیدگاه یا سازگاری انطباقی فرد با قوانین، تقاضاها یا شرایط محیط جدید است (Derby et al,2018:8). انعطاف پذیری شناختی نوعی آمادگی است که با آن شخص قادر است انتخاب مناسبی بین فرایندهای ذهنی برای تولید واکنش های رفتاری مناسب داشته باشد. این سازه متشکل از مجموعه گسترده ای از عوامل فردی

(شخصیتی، توانایی‌های ذهنی و ...) و محیطی (آموزشی، خانواده، امکانات) است (Dajani&Uddin,2017:6). در مطالعه‌ای دیگر بابایی و همکاران (۱۳۹۳: ۲)، اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر انعطاف‌پذیری دانشجویان را مثبت ارزیابی کردند و بیان کردند که با ارتقاء مهارت‌های اجتماعی دانشجویان میزان انعطاف‌پذیری آنان نیز بهبود می‌یابد. نتایج پژوهش سواری (۱۳۹۹: ۱۵)، نشان داد که ارتباط مستقیم و مثبت بین خودکارآمدی اجتماعی، تحصیلی و هیجانی با انعطاف‌پذیری شناختی دانش‌آموزان وجود دارد به شکلی که با بالا بردن سطح خودکارآمدی میزان انعطاف‌پذیری شناختی دانش‌آموزان بهبود می‌یابد.

فلسفه برای کودکان و نوجوانان (Philosophy for Children جنبش یا رویکرد تربیتی نوظهوری است که در نیمه دوم قرن بیستم توسط (Lipman)، مطرح و باهدف پرورش مهارت‌های تفکر و ارتقا مهارت‌های استدلال ورزی در کودکان و نوجوانان است. این برنامه شکلی از تدریس مکالمه وار و دیالوگی است که بر روی رشد انواع تفکر از طریق بحث و گفت‌وگو بین فراگیران و مربیان تاثیر مثبت دارد (هاشم زاده و همکاران، ۱۳۹۸: ۳).

دو عنصر درهم‌تنیده بانام‌های تفکر و اجتماع پژوهشی (Communities of Inquiry) عنصرهای اصلی دیدگاه لیمن در برنامه فلسفه برای کودک مطرح شده‌اند. براین اساس، عنصر اول در برنامه فلسفه برای کودکان در پی رشد و پرورش مهارت‌های تفکر انتقادی (Critical Thinking)، تفکر خلاق (Creative Thinking) و تفکر مراقبتی (Care Thinking) است (Lipman, Splitter et al, 1995: 13). بر این باور بود که مهارت‌های تفکر در تعامل گفتاری با دیگران شکل می‌گیرد و اجتماع پژوهشی در برنامه فلسفه برای کودک نیز این فرصت را در اختیار کودکان و نوجوانان قرار می‌دهد تا بتوانند با یکدیگر به بحث و گفت‌وگو بپردازند و مهارت‌های اجتماعی و ساختار شناختی خود را بسط دهند (Peterson, 2015: 11). به عبارت دیگر، دومین عنصر مهم در برنامه فلسفه برای کودکان شکل گروهی کلاس یا همان چیزی است که با عنوان اجتماع پژوهشی مشهور شده است. در برنامه فلسفه برای کودکان، کلاس درس به آزمایشگاهی تبدیل می‌شود که مهم‌ترین فعالیت دانش‌آموزان در آن پژوهش گروهی است. بر اساس ادعای مدعیان برنامه فلسفه برای کودکان، افزون بر مهارت‌های اجتماعی، مهارت‌های تفکر نیز در این برنامه رشد و پرورش می‌یابند (Fisher, 2003: 15).

(Murriss) (2016:7) در مطالعه‌ای با عنوان بررسی تأثیر برنامه فلسفه برای کودکان بر روی شکل‌گیری کودکان متفکر انجام داد به این نتایج دست‌یافت که اجرای این برنامه برای کودکان موجب شکل‌گیری تفکر، همدلی و ادراک شایستگی در آنان می‌گردد و مشاهده شده که آنان در جلسات آخر دوره در بحث و گفت‌وگو باهمسالان انعطاف بیشتری را از خود نشان می‌دادند. (Greenberg et al) (2017:14)، در پژوهش خود دریافتند که برنامه فلسفه برای کودکان موجب رشد مهارت‌های اجتماعی و ادراک شایستگی در کودکان شده است به نحوی که دانش‌آموزانی که در این برنامه شرکت کرده بودند در مقایسه باهم‌تایان خود که در این برنامه شرکت نکرده بودند، در انجام برخی از رفتارهای اجتماعی عملکرد بهتری از خود نشان دادند، همچنین دانش‌آموزان بیان کردند نسبت به قبل از شرکت در برنامه حس شایستگی بیشتری دارند.

درواقع با مشارکت کودکان و نوجوانان در جست‌وجو برای معنا و بسط توسعه قوای ادراکی و فهم آن‌ها از مطالب، قدرت تفکر استدلالی و انتزاعی در آنان افزایش یافته و سبب ارتقای عزت‌نفس و اعتمادبه‌نفس آن‌ها می‌شود، این امر به کودکان و نوجوانان کمک می‌کند تا کیفیت قضاوت‌های خود را در زندگی روزمره بهبود بخشند و بدین ترتیب روابط میان فردی سالم‌تری داشته باشند (محمدیان و فرق‌دانی، ۱۳۹۷:۸) Trickey & Topping (2004:16) در پژوهشی دیگر تأثیر فلسفه برای کودکان بر مهارت‌های اجتماعی، مثبت‌گرایی، کنترل شخصی و همکاری در کودکان را مثبت ارزیابی کردند. اجرای برنامه فلسفه برای کودکان بر مسئولیت‌پذیری، خلاقیت، عزت‌نفس، برقراری ارتباط صحیح با دیگران، احترام به دیگران، پذیرش نظر دیگران، سازمان‌دهی مجدد اطلاعات، خود اصلاحی، ایجاد اعتمادبه‌نفس و داوری صحیح کودکان و نوجوانان اثربخش است (کبیری، ۱۳۹۹:۱۸).

کودکان بی‌سرپرست با زندگی در محیط‌های پرورشگاهی از مهر و محبت والدین و خانواده خود محروم‌اند و از مسائلی از جمله احساس وابستگی یا طرد، گروه‌گریزی یا گروه‌گرایی و اختلالات عاطفی رنج می‌برند و نیازمند فضایی امن برای برقراری ارتباط صمیمی و عاطفی با دیگر دوستانشان هستند تا بتوانند مهارت‌های فردی و اجتماعی خود را بهبود بخشند. با توجه به مطالب فوق به نظر می‌رسد برنامه فلسفه برای کودکان می‌تواند از طریق اجتماع پژوهشی و ایجاد حلقه‌های کندوکاو فضای موردنظر به منظور پرورش مهارت‌های شناختی و اجتماعی کودکان را ایجاد نماید و موجب رشد و پرورش

مهارت‌های فردی و اجتماعی و بهبود انعطاف‌پذیری شناختی در کودکان گردد. لذا محققان در این پژوهش بر آن شدند که به بررسی تأثیر برنامه آموزشی فلسفه برای کودکان بر ادراک شایستگی و انعطاف‌پذیری شناختی کودکان پسر بی‌سرپرست بپردازند. بنابراین مسئله اصلی این پژوهش این است که آیا برنامه آموزشی فلسفه برای کودکان به‌عنوان یک برنامه آموزشی مداخله‌ای مناسب می‌تواند بر بهبود ادراک شایستگی و انعطاف‌پذیری شناختی کودکان پسر بی‌سرپرست اثرگذار باشد؟.

۲. روش پژوهش

روش تحقیق حاضر نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون، پس‌آزمون با گروه آزمایش و گواه بود. جامعه پژوهش شامل تمام کودکان پسر بی‌سرپرست ۸ تا ۱۲ ساله بود که در سال ۱۳۹۸ به‌طور شبانه‌روزی در مرکز تحت نظر بهزیستی شهرستان ازنا زندگی می‌کردند. این افراد به سبب گوناگون اقتصادی، اجتماعی و رفتاری از قبیل: فقر یا فقدان والدین، طلاق و اعتیاد در این مراکز زندگی می‌کردند. از جامعه آماری موردنظر به روش نمونه‌گیری در دسترس ۳۴ کودک پسر انتخاب و به‌صورت تصادفی در گروه آزمایش (۱۷) و کنترل (۱۷) قرارداد شدند. معیارهای ورود به این پژوهش عبارت بود از: رضایت کامل شخصی برای مشارکت در تحقیق و برخورداری از سلامت روانی و جسمانی و معیارهای خروج از این تحقیق نیز عدم رضایت فراگیر از روند اجرای پژوهش، عدم همکاری و انجام تکالیف و غیبت بیش از ۳ جلسه آزمودنی بود. دو فراگیر بیش از ۳ جلسه غیبت کردند و از فرایند پژوهش حذف شدند که نهایتاً گروه آزمایش (۱۶) و گروه کنترل نیز (۱۶) نفر شدند.

لازم به ذکر است که ویژگی‌های دموگرافی نمونه آماری شمال این موارد بود: کودکان گروه سنی ب و ج یعنی سال‌های سوم، چهارم، پنجم و ششم ابتدایی که شامل گروه سنی ۹ الی ۱۲ ساله می‌شود. جنسیت آنان مذکر بود که برخی از آن‌ها بی‌سرپرست و برخی بد سرپرست بودند که همگی در مرکز تحت نظر بهزیستی زندگی می‌کردند، میزان دانش و استفاده آنان از موبایل و فضای مجازی متوسط بود به‌نحوی که برخی از آنان موبایل داشتند و توانایی نصب برنامه‌های مختلف و استفاده از اینترنت را می‌دانستند.

۱.۲ ابزار پژوهش

۱.۱.۲ پرسشنامه مقیاس شایستگی هارتر (Harter Competency Scale Questionnaire)

پژوهشگران برای ارزیابی ادراک شایستگی کودکان بی سرپرست از مقیاس اداره شایستگی هارتر استفاده کردند. آزمون اداره شایستگی توسط هارتر در سال ۱۹۸۲ طراحی شد. این آزمون سه حوزه ادراک شایستگی جسمانی، شایستگی اجتماعی و شایستگی شناختی را موردسنجش قرار می دهد. لازم به ذکر است که خرده آزمون چهارم این مقیاس خود ارزشمندی کلی را موردسنجش قرار می دهد. کل مقیاس ۲۴ عبارت دارد که هر زیر مقیاس شامل ۷ جمله است. برای ارزیابی اداره شایستگی هر شرکت کننده نمرات هر بعد از مقیاس را جمع کرده و بر تعداد عبارت های آن تقسیم می کنند و نهایتاً میانگین به دست آمده از ابعاد متفاوت، نمایانگر نقاط قوت و ضعف آزمون دهنده خواهد بود. روایی مقیاس با استفاده از تحلیل عاملی صورت گرفته که سه عامل جسمانی، اجتماعی و شناختی و کلی بود که به ترتیب با بار عاملی ۰/۶۴، ۰/۶۱، ۰/۶۷ و ۰/۵۰ بودند. قابل ذکر است که همبستگی درونی عامل ها در دامنه ۰/۵۰-۰/۲۶ به دست آمده است. همچنین برای کل مقیاس ضریب آلفای کرون باخ برابر با ۰/۹۱ به دست آمده و برای عامل های جسمانی ۰/۸۱، اجتماعی ۰/۷۴ و شناختی ۰/۸۹. لحاظ گردیده است (شهیم، ۲۰۰۴، به نقل از بهادری خسروشاهی، ۱۳۹۶: ۱۴).

۲.۱.۲ پرسشنامه انعطاف پذیری شناختی (Cognitive flexibility questionnaire)

این پرسشنامه توسط (Vander Wa&Dennis, 2010:12) تهیه شده است. پرسشنامه مذکور ابزار خود گزارش دهی کوتاهی است که شامل ۲۰ سؤال هست و نمره گذاری آن براساس مقیاس ۷ درجه ای لیکرت است که نمره ۷ نشان دهنده انعطاف پذیری بیش تر است. این پرسشنامه باهدف سنجش سه جنبه انعطاف پذیری شناختی شامل این موارد است: الف) توانایی ایجاد چندین راه حل جایگزین برای موقعیت های چالش برانگیز. ب) میل به درک کردن موقعیت های دشوار به عنوان موقعیت های قابل کنترل و ج) توانایی درک چندین توجیه جایگزین برای رویدادهای زندگی و رفتار انسان. آن ها با استفاده از آلفای کرون باخ پایایی کل مقیاس، ادراک کنترل پذیری و ادراک گزینه های مختلف به ترتیب ۰/۹۱، ۰/۹۱ و ۰/۸۴. و با استفاده از روش باز آزمایی به ترتیب ۰/۸۱، ۰/۷۵، و ۰/۷۷ محاسبه کردند.

لازم به ذکر است که شماره، فرمانی و سلطانی (۱۳۹۲: ۱۵). ویژگی‌های روان‌سنجی این پرسش‌نامه را در نمونه‌های ایرانی مورد بررسی قرار دادند. این پژوهشگران ضریب پایایی برای کل مقیاس ۰/۷۱ و برای خرده مقیاس‌های کنترل‌پذیری، ادراک گزینه‌های مختلف و ادراک توجیه رفتار به ترتیب ۰/۵۵، ۰/۷۲ و ۰/۵۷ محاسبه کردند. همچنین ضریب آلفای کل مقیاس را ۰/۹۰ و برای خرده مقیاس‌های کنترل‌پذیری ۰/۸۷، ادراک گزینه‌های مختلف ۰/۸۹ و ادراک توجیه ۰/۵۵ به دست آوردند.

۲.۲ شیوه اجرای پژوهش

ابتدا به منظور اجرای پیش‌آزمون پرسشنامه انعطاف‌پذیری شناختی و آزمون ادراک شایستگی در اختیار نمونه آماری قرارداد شد، پس از اجرای پیش‌آزمون دوره آموزشی برنامه فلسفه برای کودکان در ۸ جلسه ۲ ساعته در روزهای دوشنبه تیر و مردادماه ۱۳۹۸ برای گروه آزمایش اجرا گردید که اطلاعات هر جلسه در جدول زیر آمده است. پس از اتمام آموزش پس‌آزمون در دو گروه اجرا شد و پرسشنامه‌ها جمع‌آوری شدند و مورد تحلیل آماری قرار گرفتند.

۱.۲.۲ شرح جلسات

برای اجرای برنامه فلسفه برای کودکان در جلسات طراحی شده برای کودکان پسر بی‌سرپرست از کتاب‌های داستان فلسفی مخصوص گروه سنی ب و ج اثر این نویسندگان استفاده شد: (Nelson)، ترجمه فریده خرمی (۱۳۹۴)، (Emily)، ترجمه فرمهر منجری (۱۳۸۹)، (Hanks)، ترجمه لیلا قنادپور (۱۳۹۴)، (Louis)، ترجمه کیوان عبیدی (۱۳۹۸)، (Peter H)، ترجمه هدا کلاهدوز (۱۳۹۸)، (Shona) ترجمه احمد تصویری (۱۳۹۵)، (Mallory)، ترجمه ناهید قهرمانی (۱۳۹۴)، (Catherine)، آناهیتا حضرتی (۱۳۹۶). از میان تمام کتاب‌های داستان فلسفی با موضوعات مختلف، به منظور اجرای برنامه فلسفه برای کودکان برای کودکان پسر بی‌سرپرست کتاب‌هایی انتخاب شدند که عناوین، محتوا و زمینه آن‌ها در مورد مفاهیمی از قبیل: اعتماد به نفس، کار گروهی، نگرش مثبت به خود، رضایت از خود، ارتباط با دیگران، آگاهی از توانایی‌های خود، غلبه بر ترس، کنترل خشم و پذیرش احساسات و افکار خود بود.

جدول ۱. شرح جلسات اجرای برنامه فلسفه برای کودکان

| | |
|------------|---|
| جلسه اول | <p>در جلسه اول مفاهیمی از جمله: قدرت مدیریت، اعتماد به نفس و اداره خویشتن (از طریق قصه‌گویی به کودکان ارائه شد، سپس در مورد مفاهیم فوق کودکان به همراه مربی به بحث و گفت‌وگو پرداختند.</p> <p>درباره کتاب: آنچه کودک از این قهرمان داستان «تک‌وتنها توی این دنیا به این بزرگی» می‌آموزد اعتماد به نفس و قدرت مدیریت و اداره خودش و برادر کوچک‌ترش است. او با صبوری و حوصله هم از برادر مراقبت می‌کند و هم اسباب شادمانی او را فراهم می‌کند و الگوی مناسبی برای کودکان این سن است.</p> |
| جلسه دوم | <p>در این جلسه، داستان «بن در تعطیلات» توسط معلم در کلاس ارائه گردید و در انتهای داستان کودکان در مورد هر یک از بخش‌های قصه به بحث و گفت‌وگو پرداخته و سعی می‌کنند که به سؤالات دیگر دوستانشان پاسخ دهند.</p> <p>درباره کتاب: قرار گرفتن کودک در موقعیت اجتماعی و کارگروهی سبب می‌شود که خجالت او کم‌کم برطرف شده و اعتماد به نفس لازم را به دست آورد. کتاب «بن در تعطیلات» همچنین نمونه مناسبی برای آموزگاران و مربیان است که بدانند چگونه می‌توان سطح کلاس‌ها را بالا ببرند و هر چه پویاتر کنند و رفتاری در شأن دانش آموزان داشته باشند.</p> |
| جلسه سوم | <p>در طی این جلسه داستان فلسفی «سال بیلی میلر» مورد استفاده قرار گرفت. این داستان بیان قصه‌های خیال‌انگیز با طعم پرسش‌ها و نکته‌های فلسفی و همچنین تفکر و تأمل برانگیز است که ذهن پرسش‌گر مخاطبان کودک را نشانه رفته و در عین سادگی، مفاهیم گاه عمیق و پیچیده‌ای را با زبان کودک مطرح می‌کند.</p> <p>درباره کتاب: این کتاب در سال ۲۰۱۴ جز چهار کتابی است که به فهرست افتخار جایزه نیوبری یکی از برجسته‌ترین جایزه‌های ادبیات کودک راه یافته است. این داستان سبب ایجاد نگرش مثبت و همکاری در خانواده می‌شود و برای بلند خوانی مناسب است.</p> |
| جلسه چهارم | <p>در این جلسه، کودکان به خواندن داستان فلسفی «بخشنده» از مجموعه داستان‌های روانشناسی برای کودکان مشغول می‌شوند و سپس به صورت گروه‌های کوچک به بحث و گفت‌وگو در مورد بخش‌های مختلف داستان از قبیل چگونگی برقراری ارتباط با دیگران می‌پردازند.</p> <p>درباره کتاب: یوناس دوازده‌ساله یادگیرنده سرگذشت‌ها و خاطرات دردها و شادی‌های واقعی زندگی است که از «بخشنده» یک پیر و سالخورده دریافت می‌کند. او وظیفه دارد نزد بخشنده تعلیمات خاصی را فراگیرد. دنیای یوناس، دنیایی کامل است.</p> |
| جلسه پنجم | <p>در این جلسه، کودکان در گروه‌های کوچک تلاش می‌کنند نقش‌های از داستان را انتخاب و با زدن صورتک در کلاس آن را نمایش دهند و پس از اتمام داستان و نمایش به بررسی و تحلیل نقش‌های یک‌دیگر بپردازند.</p> <p>درباره کتاب: داستان نقطه از موضوع هنر فراتر رفته است. کتاب بچه‌ها را تشویق می‌کند که در بیان نظریاتشان شجاع باشند و به آن‌ها یادآوری می‌کند که برای کشف فکر و ایده، می‌توان از کارهای کوچک شروع کرد. این کتاب همچنین به نوعی قدردانی از معلمان آگاهی است که می‌دانند چگونه از طنز و روش‌های غیر کلیشه‌ای استفاده کنند تا فراگیران به کسب آگاهی از توانایی‌های خود بپردازند.</p> |
| جلسه ششم | <p>در این جلسه، کودکان به خواندن داستان فلسفی «تو فقط شبیه خودت هستی» از مجموعه داستان‌های روانشناسی برای کودکان مشغول می‌شوند و سپس به صورت گروه‌های کوچک به بحث و گفت‌وگو در مورد بخش‌های مختلف داستان که مهم‌ترین آن کودک و پذیرش خویشتن است می‌شوند.</p> |

| | |
|---|------------------|
| <p>درباره کتاب: این مجموعه با رویکردی ملایم و مستقیم، به مسائل هیجانی پیش روی کودکان می‌پردازد و زمینه‌ای فراهم می‌کند تا احساسات و مشکلات آن‌ها، راحت‌تر در فضای خانواده و دوستان به بحث گذاشته شود.</p> | |
| <p>در جلسه هفتم، داستان: پسری با قلب گوسفند خوانده می‌شود و مربی از کودکان می‌خواهد تا سؤالات خود را در مورد داستان بپرسند و از دیگر دانش‌آموزان می‌خواهد تا به آن‌ها پاسخ دهند و خود مربی تا جای ممکن در پاسخ سؤالات مشارکت نمی‌کند که کودکان خودشان بتوانند با توجه به تجربه و فهمشان به سؤالات دیگر دانش‌آموزان پاسخ دهند. زمینه اصلی این داستان در مورد رضایت از خود است.</p> <p>درباره کتاب: پسری با قلب گوسفند زندگی یک بیمار را به تصویر می‌کشد که می‌خواهد عادی و معمولی زندگی کند، شنا کند، دستش را به کف استخر بزند بدون آنکه به نفس تنگی بیفتد، ورزش کند و در کنار همسالانش عادی باشد و بر ناتوانی‌اش پیروز شود.</p> | <p>جلسه هفتم</p> |
| <p>در این جلسه ابتدا، کودکان به صورت حلقه وار دور هم می‌نشینند و پس از خواندن داستان، مربی با طرح سؤال‌های چالشی، گفتگوی امروز را آغاز می‌کند و کودکان تلاش کردند که به سؤالات و چالش‌های موجود در داستان پاسخ دهند. زمینه اصلی این داستان در مورد چگونگی مثبت اندیشیدن است.</p> <p>درباره کتاب: در روبه‌رو شدن با سختی‌های زندگی دو راه وجود دارد، خوش بینی و امیدواری یا بدبینی و ناامیدی. در داستان پاستیل‌های بنفش، نویسنده نشان می‌دهد که چگونه نیروی تخیل پسرک داستان و شوخ‌طبعی و امیدواری پدر و مادرش، تحمل دوران سخت را برای آن‌ها آسان‌تر می‌کند.</p> | <p>جلسه هشتم</p> |

۳. یافته‌ها

بر اساس طرح پژوهش که نیمه آزمایشی پیش‌آزمون- پس‌آزمون با دو گروه آزمایش و گواه انجام شد، در بخش آمار توصیفی به‌منظور توصیف داده‌های پژوهش از شاخص‌های میانگین و انحراف معیار استفاده شد و جهت تحلیل داده‌ها از آمار استنباطی تحلیل کوواریانس استفاده گردید. در بررسی توصیفی نمرات افراد نمونه پژوهش در هر یک از متغیرهای تحقیق، افراد نمونه آزمایش دارای دو گروه نمره پیش و پس‌آزمون در ادراک شایستگی اجتماعی، جسمانی و شناختی و همچنین انعطاف‌پذیری شناختی هستند.

جدول ۲. یافته‌های توصیفی نمرات گروه آزمایش و کنترل در ادراک شایستگی و انعطاف‌پذیری

شناختی

| متغیر | موقعیت | گروه آزمایش | | گروه کنترل | |
|----------------------|-----------|-------------|--------------|------------|--------------|
| | | میانگین | انحراف معیار | میانگین | انحراف معیار |
| ادراک شایستگی جسمانی | پیش‌آزمون | ۴۳ | ۳/۶۵ | ۴۲ | ۳/۹۵ |
| | پس‌آزمون | ۵۱ | ۳/۴۵ | ۴۳/۵ | ۳/۷۵ |

اثربخشی اجرای برنامه فلسفه برای کودکان ... (علی اکبر کبیری و دیگران) ۲۵۱

| | | | | | | |
|-----|------|------|------|------|-----------|-----------------------|
| ۵۴ | ۳/۰۸ | ۳۶ | ۳/۰۲ | ۳۵ | پیش آزمون | ادراک شایستگی اجتماعی |
| | ۳/۰۳ | ۳۷ | ۲/۲۲ | ۴۲ | پس آزمون | |
| ۶۴ | ۳/۸۵ | ۴۷ | ۳/۶۵ | ۴۸ | پیش آزمون | ادراک شایستگی شناختی |
| | ۳/۷۵ | ۴۹/۵ | ۳/۳۵ | ۵۹ | پس آزمون | |
| -۷۰ | ۳/۷۵ | ۴۸ | ۳/۸ | ۴۷/۵ | پیش آزمون | انعطاف پذیری شناختی |
| | ۳/۶۵ | ۴۶ | ۲/۷۵ | ۳۰ | پس آزمون | |

در جدول ۲ تفاوت در تمامی نمرات نمونه به وضوح نمایش داده شده است. بیشترین تفاوت را متغیر انعطاف پذیری شناختی به خود اختصاص داده است که ۷۰ درصد کاهش را نشان می دهد. لازم به ذکر است که این متغیر نمره گذاری منفی دارد و کاهش در میزان آن پس از اجرای آموزش به معنای تأثیر مثبت آموزش است. در میان مؤلفه های ادراک شایستگی نیز بیشترین تفاوت به ترتیب به ادراک شایستگی شناختی، ۶۴٪، اجتماعی ۵۴٪ و جسمانی ۵۱٪ اختصاص یافته است. به منظور استفاده از روش های آماری پارامتریک، نخست باید مفروضات آزمون مورد تأیید قرار گرفته تا بتوان از آزمون مورد نظر استفاده کرد؛ لذا ابتدا مفروضات روش تحلیل کوواریانس «نرمال بودن توزیع متغیر وابسته» مورد بررسی قرار گرفت. برای استقلال مشاهدات از آزمون (Kolmogorov-Smirinov) تک نمونه ای استفاده شد جدول ۲. افزون بر این آزمون لوین برای بررسی میزان همگنی واریانس ها برقرار بود ($p > 0/05$).

جدول ۳. نتایج آزمون (Kolmogorov-Smirinov)

| Sig | Z | مراحل | گروه ها | شاخص ها |
|------|------|-----------|---------|---------------------|
| ۰/۰۳ | ۰/۲۱ | پیش آزمون | آزمایش | انعطاف پذیری شناختی |
| ۰/۰۱ | ۰/۲۳ | پس آزمون | | |
| ۰/۱۰ | ۰/۱۸ | پیش آزمون | کنترل | |
| ۰/۱۸ | ۰/۱۷ | پس آزمون | | |
| ۰/۲ | ۰/۱۴ | پیش آزمون | آزمایش | ادراک شایستگی |
| ۰/۱ | ۰/۲ | پس آزمون | | |
| ۰/۱۳ | ۰/۱۸ | پیش آزمون | کنترل | |
| ۰/۲ | ۰/۱۶ | پس آزمون | | |

با در نظر گرفتن برقراری پیش فرض های آزمون تحلیل کوواریانس، از این آزمون برای بررسی استنباطی متغیرهای پژوهش استفاده گردید که نتایج آن در جدول های زیر نمایش داده شده است.

جدول ۴. نتایج تحلیل کوواریانس چند متغیری بین ۲ گروه بر روی نمرات تعدیل شده متغیرهای پژوهش

| منبع | آزمون | مقدار | فرضیه درجه آزادی | F | خطای درجه آزادی | سطح معناداری |
|------|--------------------|-------|------------------|--------|-----------------|--------------|
| گروه | اثر پیلایی | ۰/۸۸ | ۲ | ۱۵۰/۹۰ | ۲۷ | ۰/۰۰۱ |
| | لامبدا ویلکز | ۰/۱۱ | ۲ | ۱۵۰/۹۱ | ۲۷ | ۰/۰۰۱ |
| | اثر هاتلینگ | ۸/۰۷ | ۲ | ۱۵۰/۹۰ | ۲۷ | ۰/۰۰۱ |
| | بزرگ ترین ریشه روی | ۸/۰۷ | ۲ | ۱۵۰/۹۱ | ۲۷ | ۰/۰۰۱ |

همان گونه که در جدول ۴ قابل مشاهده است، نتیجه تجزیه و تحلیل کوواریانس چندمتغیره حاکی از آن است که هر چهار آماره یعنی اثر پیلایی ($F=150/90, P<0/001$)، لامبدای ویلکز ($F=150/91, P<0/001$)، اثر هاتلینگ ($F=150/90, P<0/001$) و بزرگ ترین ریشه روی ($F=150/91, P<0/001$) معنادار می باشند. با توجه به نتایج فوق می توان ادعا کرد که ترکیب خطی متغیرهای وابسته پس از تعدیل تفاوت های اولیه، از متغیرهای مستقل تأثیر پذیرفته است؛ به نحوی که نتایج تجزیه و تحلیل کوواریانس نشان می دهد برنامه فلسفه برای کودکان با غنی سازی فناوری ها دیجیتال بر ترکیب خطی متغیرهای وابسته مؤثر بوده و بین گروه ها تفاوت معناداری وجود دارد؛ لذا با استفاده از تجزیه و تحلیل کوواریانس تک متغیره در متن تحلیل کوواریانس چند متغیره خواهیم پرداخت تا مشخص گردد تفاوت مشاهده شده در ترکیب خطی، مربوط به کدام یک از دو متغیر وابسته است. با توجه به نتایج به دست آمده می توان گفت با ۹۵ درصد اطمینان برنامه فلسفه برای کودکان با غنی سازی فناوری های دیجیتال بر بهبود ادراک شایستگی و انعطاف پذیری شناختی تأثیر داشته است.

جدول ۵. تحلیل کوواریانس ابعاد ادراک شایستگی و انعطاف پذیری شناختی

| متغیرها | منبع تغییرات | مجموع مربعات | درجه آزادی | میانگین مربعات | آماره F | سطح معنی داری |
|-----------------------|--------------|--------------|------------|----------------|---------|---------------|
| ادراک شایستگی اجتماعی | گروه | ۴۲۳/۷ | ۱ | ۴۲۳/۷ | ۵۹/۷۲۵ | ۰/۰۰۱ |
| | خطا | ۱۹۸/۶ | ۲۸ | ۷/۱ | | |
| ادراک شایستگی جسمانی | گروه | ۱۴۹/۷ | ۱ | ۱۴۹/۷ | ۱۱۳/۵۹۸ | ۰/۰۰۱ |
| | خطا | ۷۳/۳۵ | ۲۸ | ۶/۹ | | |
| ادراک شایستگی شناختی | گروه | ۶۷۴/۷ | ۱ | ۶۷۴/۷ | ۴۷۷/۱۱۲ | ۰/۰۰۱ |
| | خطا | ۲۴۲/۶۴ | ۲۸ | ۵/۴ | | |
| انعطاف پذیری شناختی | گروه | ۱۹۳۱/۷ | ۱ | ۱۹۳۱/۷ | ۷۵۶/۹۴۳ | ۰/۰۰۱ |
| | خطا | ۵۷۹/۳ | ۲۸ | ۹/۷ | | |

تحلیل تغییر ادراک شایستگی اجتماعی نشان می‌دهد که مقدار آماره F گروه برابر با ۵۹/۷۲۵ با سطح معنی داری ۰/۰۰۱ هست، تحلیل تغییر ادراک شایستگی جسمانی نشان می‌دهد که مقدار آماره F گروه برابر با ۱۳۱/۵۹۸ با سطح معنی داری ۰/۰۰۱ است، تحلیل تغییر ادراک شایستگی شناختی نشان می‌دهد مقدار آماره F گروه برابر با ۴۷۷/۱۱۲ با سطح معنی داری ۰/۰۰۱ هست، همچنین تحلیل متغیر انعطاف پذیری شناختی نشان می‌دهد که مقدار آماره F گروه برابر با ۷۵۶/۹۴۳ با سطح معنی داری ۰/۰۰۱ است. با توجه به این که سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ است مقدار F محاسبه شده تحلیل کوواریانس معنادار بوده و با اطمینان ۹۵ درصد فرضیات فوق تأیید می‌شود. به عبارت دیگر می‌توان اظهار نمود که اجرای برنامه فلسفه برای کودکان تأثیر معنی داری بر ادراک اجتماعی، جسمانی، شناختی و انعطاف پذیری شناختی کودکان پسر بی سرپرست دارد.

۴. نتیجه گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی اثربخشی برنامه فلسفه برای کودکان بر ادراک شایستگی (شناختی، اجتماعی و جسمانی) و انعطاف پذیری شناختی کودکان پسر بی سرپرست بود. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که اگرچه بین میزان نمرات ادراک شایستگی کودکان گروه آزمایش و کنترل در پیش‌آزمون تفاوت چندانی مشاهده نشده است اما نمرات آنان

پس از اجرای برنامه فلسفه برای کودکان در پس‌آزمون نشان‌دهنده تفاوت معنی‌دار بین دو گروه آزمایش و کنترل بود به نحوی که کودکانی که در کلاس برنامه فلسفه برای کودکان قرار گرفته و در جلسات آموزشی شرکت کرده بودند در پایان آموزش نشان دادند در مقایسه با کودکانی که در این برنامه شرکت نکرده‌اند از ادراک شایستگی بالاتری برخوردار هستند. لازم به ذکر است که اجرای برنامه فلسفه برای کودکان بیشترین تأثیر را به ترتیب بر ابعاد شناختی، اجتماعی و جسمانی کودکان بی‌سرپرست و بد سرپرست داشته است به نحوی که پس از مقایسه پیش‌آزمون و پس‌آزمون‌ها بیشترین تغییرات و رشد در بعد شناختی آنان قابل مشاهده بود و سپس در بعد اجتماعی و بعد جسمانی در رتبه آخر قرار گرفت. با توجه به مطالعه و جست‌وجوی محققان، پژوهشی که به‌طور مستقیم اثربخشی برنامه فلسفه برای کودکان را بر ادراک شایستگی کودکان بسنجد یافت نشد، باین‌وجود نتایج این پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های برخی از پژوهش‌ها همسو بود که بدین شرح است:

نتایج تحقیق (Trickery & Topping به نقل از کبیری و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۶)، (Marsh et al., 2002: 14) و (Elliot & Dweck, 2005: 9) نشان داد که برنامه آموزشی فلسفه برای کودکان برای کودکان ۸ تا ۱۲ ساله، پیامدهای مثبتی داشته است و باعث بهبود نگرش مثبت به کار گروهی، سازگاری با محیط پیرامون و افزایش اعتماد به نفس در کودکان شده است که نتایج پژوهش مذکور با یافته‌های پژوهش حاضر همسو است؛ زیرا نتایج پژوهش پیش رو، نشان می‌دهد که برنامه آموزش فلسفه برای کودکان باعث افزایش ادراک شایستگی (مفید بودن، نگرش مثبت به خود) در کودکان شده است. یافته‌های پژوهش عابدی و همکاران (۱۳۹۷: ۱۷)، با عنوان ارائه مدل مفهومی ارتباط فلسفه برای کودکان با تأکید بر بعد تفکر مراقبتی و هوش هیجانی حاکی از آن بود که اجرای برنامه فلسفه برای کودکان می‌تواند به کودکان در شناسایی بهتر توانمندی‌ها و هیجان‌اتشان کمک کند تا آنان قادر به نمایش‌های درست هیجان‌ات خود باشند و توانایی تشخیص نمایش رفتار و هیجان‌ات نادقیق خود را کسب و کنترل نمایند که این مهم همراه با افزایش رضایت‌مندی و نگرش مثبت به خود در آنان می‌گردد. با توجه به این‌که ادراک شایستگی به قضاوت کلی فرد در مورد خود و شناخت نسبت به توانایی‌ها، ظرفیت‌ها و نوع برقراری ارتباط با دیگران مربوط می‌شود. لذا برنامه فلسفه برای کودکان می‌تواند با کمک به فرد در شناسایی توانمندی‌های خود و چگونگی ارتباط با دیگران در محیط اجتماعی موجب بهبود اداره

شایستگی در او شود. در پژوهشی با عنوان اثربخشی اجتماع پژوهی برنامه فلسفه برای کودکان بر رفتار شهروندی دانش آموزان مشخص شد که اجرای برنامه فبک می تواند موجب افزایش مهارت های ارتباطی، پایداری به مقررات و قوانین، خودآگاهی، احترام و پذیرش دیگران و برقراری ارتباط و همکاری با دوستان گردد که یافته های پژوهش مذکور با یافته های پژوهش حاضر همسو است (ماهر و زاده و رضانی به نقل از قبادیان، ۱۳۹۷: ۱۸). نقاط قوت برنامه فبک در سه بعد قابل شناسایی می باشد: نخست در بعد مهارت های شناختی است که این برنامه مخصوصاً در اعطای مهارت تفکر به کودکان ارائه می دهد، دوم از نظر اعطای مهارت های اخلاقی است که فراگیران از شرکت در این برنامه کسب می نمایند و سوم از جهت مهارت های اجتماعی است که کودکان از این برنامه کسب می کنند (فاطمی و همکاران، ۱۳۹۹: ۷).

در تبیین نتایج تغییر ادراک شایستگی می توان اذعان کرد؛ ادراک شایستگی محرکی چندبعدی است که فرد را در زمینه های شناختی، اجتماعی و جسمانی هدایت می کند. بر مبنای این دیدگاه ادراک شایستگی و لذت درونی که از موفقیت به دست می آید منجر به افزایش تلاش به منظور کسب موفقیت بیشتر می شود؛ این در حالی است که ادراک عدم شایستگی و نارضایتی موجب اضطراب و کاهش تلاش برای موفقیت می شود (رد فیلد، ۲۰۰۸، به نقل از خلج و هاشمی، ۱۳۹۸: ۴). شواهد نشان می دهد که تعامل با همسالان می تواند به عنوان عاملی مهم در شبکه روابط اجتماعی فرد تلقی گردد اما در شکل گیری ادراکات نسبت به شایستگی و ارزشمندی خود، عوامل دیگری از قبیل روابط با والدین و سایر اعضا، تجربه های قبلی و کنونی فرد نیز بسیار مهم می باشند (صفر حمیدی، ۱۳۹۵، به نقل از خلج و هاشمی، ۱۳۹۸: ۴). برنامه فلسفه برای کودکان با فراهم آوردن بستری مناسب جهت انجام بحث و کندوکاو فلسفی برای فراگیران به آنان کمک می کند تا بتوانند نظرات خود را بیان کرده و از آن ها دفاع نمایند و از این طریق ادراک بهتری از شایستگی خود داشته باشند. همچنین بخشی از فرایند این برنامه از طریق انجام تمرینات فلسفی در قالب گفتمان با اعضا خانواده است که این امر موجب داشتن ادراک بهتر نسبت به توانمندی و شایستگی فرد می گردد. اجتماع پژوهی که یکی از مهم ترین عناصر برنامه فلسفه برای کودکان است نقش بسیار مهمی در کمک به فراگیران در شناخت هیجانات و کنترل آن ها دارد به شکلی که فراگیرانی که در اجتماع پژوهی شرکت می کنند و با دیگر دوستانشان وارد بحث و گفت و گو می شوند با مواردی از قبیل: کنجکاوی،

کاوشگری، حیرت، لذت توافق کردن باهم کلاسی‌ها، ناامیدی ناشی از عدم توافق با دیگران، ابهام، سردرگمی، رضایت‌مندی از موفقیت در بحث‌ها و ... مواجه می‌شوند و در فرایند یادگیری می‌آموزند که چگونه باید بر هیجانات، ناامیدی و خجالت خود تسلط یابند که ادامه داشتن این فرایند به‌مرورزمان شناخت فرد از خود را بیشتر می‌کند و کنترل بر هیجانات و عواطفش را افزایش داده که نهایتاً منجر به رضایتمندی از خود و داشتن ادراک بهتری از خود می‌شود.

درواقع برنامه فبک این امکان را برای فراگیران فراهم می‌سازد تا در بحث و روابط گروهی شرکت کرده، بودن در جمع و اظهارنظر کردن را فراگرفته، ایده‌های خود را عملی ساخته، احترام به همسالان، همکاری با آنان، مصالحه جویی، خود اصلاحی و داوری خوب را کسب نمایند. فراگیران پس از شرکت در اجتماع پژوهشی در ارتباطات اجتماعی ابراز عقیده می‌کنند و شروع به بحث و گفت‌وگو با همسالان خود می‌نمایند، به همین علت است که ویگوتسکی اهمیت ارتباط و گفت‌وگوی متقابل میان همسالان را مورد تأکید قرار داده و بیان می‌کند که فرد از طریق ارتباط با همسالان تجربه کسب نموده، روش افکار و تعاملات اجتماعی را درونی کرده، مهارت‌های برقراری تعامل با دیگران را رشد داده که نهایتاً مفهوم بهتری از خود ادراک می‌نماید که این مهم ادراک شایستگی در وی را بهبود می‌بخشد (مراد آزادبهی و همکاران، ۱۳۹۹:۱۸).

افزون بر این یافته‌های حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد میزان انعطاف‌پذیری شناختی در دو گروه آزمایش و کنترل اگرچه قبل از اجرای برنامه فبک از نظر آماری تفاوت نداشت، اما بعد از اجرای برنامه مذکور بر اساس تحلیل نتایج پیش‌آزمون و پس‌آزمون تفاوت چشمگیر بین دو گروه آزمایش و کنترل قابل مشاهده بود به شکلی که کودکانی که مورد آموزش فبک قرار گرفته بودند پس از اتمام دوره انعطاف‌پذیری بیش‌تری نسبت به کودکانی که در این دوره شرکت نکرده بودند از خود نشان دادند. با توجه به مطالعه و جست‌وجوی محققان، پژوهشی که به‌طور مستقیم اثربخشی برنامه فلسفه برای کودکان را بر انعطاف‌پذیری شناختی کودکان بسنجد یافت نشد، با این وجود نتایج این پژوهش با یافته‌های برخی از پژوهش‌ها همسو بود. در پژوهشی که توسط منتظری و همکاران (۱۳۹۸:۲) با عنوان تأثیر آموزش به روش پرسشگری بر انعطاف‌پذیری شناختی دانش‌آموزان پسر انجام شد، نتایج حاکی از آن بود که دانش‌آموزانی که در برنامه آموزشی

مبتنی به شیوه پرسشگری شرکت کرده بودند در مقایسه با دانش آموزانی که در این برنامه شرکت نکرده بودند انعطاف پذیری شناختی بیشتری از خود نشان دادند. یکی از روش‌هایی که مربیان فبک در آموزش از آن استفاده می‌کنند روش پرسشگری و دیالکتیک است، در این تحقیق نیز یکی از مهم‌ترین روش‌های تدریس که مورد استفاده پژوهشگران قرار گرفت روش تدریس پرسشگری بود که نحوی که مربی فبک با پرسشگری از دانش آموزان سعی در ایجاد و اداره اجتماع پژوهی داشت تا همه دانش آموزان با یکدیگر به پرسش و پاسخ پردازند و به یادگیری مطالب جدید پردازند. لازم به ذکر است که نتایج این پژوهش مطلوب بودن تأثیر روش پرسشگری در قالب اجرای برنامه فلسفه برای کودکان بر انعطاف پذیری دانش آموزان پسر بی سرپرست و بد سرپرست را مورد تأیید قرار می‌دهد.

در تبیین نتایج مرتبط با انعطاف پذیری شناختی می‌توان گفت، انعطاف پذیری شناختی به‌عنوان ویژگی عمده شناخت انسان تعریف شده است و توانایی فرد برای در نظر گرفتن هم‌زمان بازنمایی‌های متناقضی از یک شیء یا یک رویداد اشاره دارد و مستلزم توانایی برقراری ارتباط با لحظه حال و قدرت متمایزسازی خود از تجارب و افکار درون روانی است (Bloma et al, 2021:1). کودکان برای به دست آوردن این انعطاف پذیری شناختی باید پیچیدگی کامل مسائل را درک نمایند و به دفعات فضای مسئله را مورد بازنمایی قرار دهند تا متوجه شوند که چگونه تغییر در متغیرها می‌تواند منجر به تغییر فضا گردد. افزون بر این آنان باید بتوانند مهارت‌هایی از قبیل سخنرانی در جمع دوستان، شرکت در اجتماع پژوهی و بحث‌های گروهی، آموزش نکات به دیگران، پذیرفتن نظرات مخالف نظر خود هنگام بحث، رعایت ادب و احترام هنگام بحث را در خود توسعه داده تا از این طریق ملزومات بهبود انعطاف پذیری شناختی خود را فراهم نمایند.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد آموزش برنامه فلسفه برای کودکان بر کاهش انعطاف پذیری کودکان پسر بی سرپرست تأثیر مثبت دارد. آموزه‌های برنامه فلسفه برای کودکان می‌تواند روش نوینی از پردازش شناختی و تنظیم هیجان را در کودکان ایجاد نمایند که از این طریق فرونشانی فکر، نشخوار ذهنی، جانشینی فکر و تبدیل تصور به فکر را از بین ببرد و به جای آن تفکرات منطقی را جایگزین آن‌ها نماید. از آنجایی که کودکان بی سرپرست نسبت به کودکان عادی که در کنار والدین خود زندگی می‌کنند، از تفکرات منفی بیشتری رنج می‌برند، آموزش‌های برنامه فلسفه برای کودکان به‌ویژه در اجتماع

پژوهشی به این کودکان می‌آموزد تا به بهره‌گیری از منطق و تعامل با همسالان، مشکلات را حل کرده و در برخورد با موقعیت‌ها منعطف‌تر عمل نمایند. برنامه فبک با آموزش تفکر خلاق، منطقی و مراقبتی به کودکان یاد می‌دهد که آنان سبک تبیین منطقی را در مواجهه به موقعیت‌های دشوار و تنش‌زا انتخاب و باور داشته باشند که حوادث بد ناپایدار هستند و در مورد رویدادها و پیش‌آمدهای ناخوشایند به‌صورت غیر جبری و سازنده بیندیشند و به توانمندی خود جهت مقابله با مشکلات استرس‌زا اعتماد داشته باشند. در اجتماعی پژوهشی که یکی از عناصر اصلی برنامه فلسفه برای کودکان است، کودکان در فرایند کندوکاو فلسفی با استدلال‌ها یکدیگر موافقت و مخالفت می‌کنند و هر فردی می‌تواند در فرایند گفت‌وگو نظرات خود را تصحیح نماید یا این‌که نظر خود را تغییر دهد و این امر به معنای استقلال کودکان و احترام به استقلال آن‌ها در فرایند آموزش برنامه فبک است. این روش از آموزش موجب افزایش انگیزه و فعالیت فراگیران می‌شود که تأثیر مثبتی در تندرستی هیجانی آنان ایفا می‌کند (سادوک و همکاران، ۲۰۱۵). به نقل از اکبری و همکاران، ۱۳۹۸:۷). با توجه به این‌که زیر منشأ رفتار آدمی افکار اوست، شیوه تفکر و استدلال کردن او بسیار حائز اهمیت است. برنامه فلسفه برای کودکان به‌صورت مستقیم به‌منظور آموزش تفکر و آموزش استدلال قوی بنیان‌گذاری شده است. از مهم‌ترین هدف‌های این برنامه وادار کردن ذهن به عمل است که این مهم از طریق چالش‌ها، تعامل ساختاری و تفکر اصولی در اجتماع پژوهشی صورت می‌پذیرد.

طبیعتاً آن دسته از نظام‌های آموزشی توانایی آماده‌سازی افراد برای دنیای پیچیده امروزی را دارند که بیش‌ازپیش بر پرورش انواع تفکر، بهبود مهارت‌های اجتماعی، بهبود انعطاف‌پذیری شناختی، بهبود انگیزه پیشرفت تحصیلی، ارتقاء ادراک شایستگی و رشد روحیه استقلال‌طلبی و پرسشگری در کودکان و نوجوانان داشته باشد. لذا به‌منظور رشد و ارتقاء متغیرهای مذکور مکاتب تربیتی گوناگون برنامه‌های تخصصی ویژه‌ای طراحی کرده‌اند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها برنامه فلسفه برای کودکان است. این برنامه به‌منظور رشد و پرورش انواع تفکر (خلاق، انتقادی و مراقبتی)، رشد مهارت‌های شناختی و اجتماعی و انعطاف‌پذیری فراگیران در زمینه‌های مختلف طراحی و مورد استفاده قرار گرفته است (کبیری و همکاران، ۱۳۹۹:۱۹). با توجه به مطالب مذکور می‌توان ادعا کرد

که؛ برنامه فلسفه برای کودکان می تواند به عنوان ابزار مداخله ای مناسب به منظور بهبود ادراک شایستگی و انعطاف پذیری شناختی در کودکان پسر بی سرپرست مورد استفاده قرار گیرد.

کتابنامه

- اپل گیت، کاترین (۲۰۱۵). پاستیل های بنفش. ترجمه آناهیتا حضرتی (۱۳۹۶). تهران: پرتقال.
- اسمیت، امیلی (۲۰۰۸). بن در تعطیلات. ترجمه فرمهر منجزی (۱۳۸۹). تهران: پنجره.
- اکبری، معصومه، اشرفی، عماد و رجب، اسدالله (۱۳۹۸). «اثربخشی آموزش خطاهای شناختی به شیوه فلسفه برای کودکان و نوجوانان بر خطاهای شناختی»، تندرستی و میزان قند خون کودکان و نوجوانان مبتلا به دیابت نوع یک. مجله دیابت و متابولیسم ایران. دوره ۱۸. شماره ۴. صص ۱۹۹-۲۰۶.
- آینز، شونا (۲۰۱۶). تو فقط شبیه خودت هستی. ترجمه احمد تصویری (۱۳۹۵). تهران: مهرسا.
- بابایی، الدوز، گودرزی، کورش و شاطریان، فاطمه (۱۳۹۳). «تأثیر آموزش مهارت های زندگی بر انعطاف پذیری شناختی دانشجویان دانشگاه آزاد ساوه»، اولین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی. کد مقاله: EPSCONF01-547.
- بلک من، مالوری (۲۰۱۶). پسری با قلب گوسفند. ترجمه ناهید قهرمانی (۱۳۹۴). تهران: هیرمند.
- بهادری خسروشاهی، جعفر (۱۳۹۶). «تأثیر آموزش پذیرش و تعهد بر خود انتقادی و شایستگی در دانش آموزان دارای تجربه خودآزاری»، فصلنامه پژوهش های تربیتی. شماره ۳۴. صص ۳۳-۱۸.
- خلج زاده، مهدیه و هاشمی، نظام (۱۳۹۸). «اثربخشی آموزش خود شفقت ورزی بر ادراک شایستگی و انعطاف پذیری روان شناختی دختران بد سرپرست»، فصلنامه روانشناسی تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی. سال پانزدهم. شماره پنجاه و چهارم. صص ۳۲-۱.
- رینولدز، پیتراچ (۲۰۰۳). نقطه. ترجمه هدی کلاهدوز (۱۳۹۸). تهران: امیرکبیر.
- سبزی، ندا و فولاد چنگ، محبوبه (۱۳۹۷). «اثربخشی آموزش مهارت های ارتباطی بر ادراک شایستگی و شادکامی دانش آموزان پسر مقطع ششم ابتدایی شهر شیراز»، مجله دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی. سال نوزدهم. شماره ۴. پیاپی ۷۴. ۱۲۳-۱۱۴.
- سلطانی، اسماعیل، شاره، حسین، بحرینیان، عبدالمجید و فرمانی، اعظم (۱۳۹۲). «نقش واسطه ای انعطاف پذیری شناختی در ارتباط بین سبک های مقابله ای و تاب آوری با افسردگی»، مجله پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی. سال هجدهم. شماره ۲. پی در پی ۹۲.۹۶-۸۸.

- سواری، کریم (۱۳۹۹). «نقش واسطه‌ای خودکارآمدی تحصیلی، اجتماعی و هیجانی در رابطه بین انعطاف‌پذیری شناختی با بهزیستی روان‌شناختی»، مجله رویش روانشناسی. سال ۹. شماره ۵. پیاپی ۵۰. صص ۳۹-۵۰.
- صفا حمیدی، النا (۱۳۹۵). «اثربخشی آموزش مثبت اندیشی بر ادراک شایستگی و مهارت‌های اجتماعی کودکان بد سرپرست و بی‌سرپرست شهر رشت»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی. صص ۷۵-۶۱.
- صمدی، پروین و قائدی، یحیی (۱۳۹۴). «بررسی تأثیر آموزش فلسفه به کودکان بر پرورش روحیه پژوهش‌گری کودکان دوره پیش‌دبستانی»، فصلنامه پژوهش در برنامه درسی، دوره ۱۲، شماره ۴۴، بهار ۱۳۹۴، صفحه ۴۱-۴۹.
- طیبی نائینی، پری ناز، محمدخانی، شهران، اکبری، مهدی، عابدی، محمدرضا (۱۳۹۶). «تأثیر درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد بر انعطاف‌پذیری شناختی کودکان مبتلا به اختلال وسواس فکری»، فصلنامه سلامت روان کودک، دوره چهارم، شماره ۱۰۶-۹۱.
- عابدی، منیژه، نوروز، رضا علی، حیدری، محمدحسین و مهربانی، حسینعلی (۱۳۹۷). «ارائه مدل مفهومی ارتباط فلسفه برای کودکان با تأکید بر بعد تفکر مراقبتی و هوش هیجانی»، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی. شماره ۶۵. سال هفدهم. ۱۵۰-۱۳۱.
- فاطمی، فاطمه السادات، صادقی، راحله و شاهبان، حمیده (۱۳۹۹). «اثربخشی برنامه ترکیبی آموزش فلسفه به کودکان و همدلی بر شایستگی اجتماعی دانش‌آموزان»، فصلنامه تفکر و کودک. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی. سال یازدهم. شماره دوم. صص ۲۲۹-۲۱۳.
- فیشر، رابرت (۲۰۰۳). آموزش و تفکر. ترجمه: فروغ کیان زاده (۱۳۸۵). اهواز، انتشارات ریش.
- قبادیان، مسلم (۱۳۹۷). «تأثیر برنامه فلسفه برای کودکان بر رفتار مدنی-تحصیلی دانش‌آموزان پسر پایه نهم متوسطه اول ناحیه یک شهر خرم‌آباد»، فصلنامه تفکر و کودک. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. سال نهم. شماره اول. صص ۵۲-۳۱.
- کبیری، علی‌اکبر، قاسمی، علی، زارعی زوارکی، اسماعیل، ریوندی، ریحانه (۱۳۹۹). «تأثیر اجرای برنامه فلسفه برای کودکان به کمک فناوری بر خوش‌بینی تحصیلی و انگیزش پیشرفت در دانش‌آموزان پسر دوره دوم ابتدایی شهر همدان»، دو فصلنامه راهبردهای شناختی در یادگیری. سال هشتم. شماره پانزدهم. صص ۲۲۴-۲۰۵.
- کوهی نژاد، علی و سالاری، محمدرضا (۱۳۹۵). «اثربخشی آموزش تفکر انتقادی بر ادراک شایستگی و روحیه پرسشگری دانش‌آموزان پسر پایه ششم»، دومین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ایران. کد مقاله: SHCONF02_255
- کونین، هنکس (۲۰۱۴). سالی بیلی میر. ترجمه لیلا قنادپور (۱۳۹۴). تهران: منظومه خرد.

اثربخشی اجرای برنامه فلسفه برای کودکان ... (علی اکبر کبیری و دیگران) ۲۶۱

- لوری، لوییس (۲۰۱۸). بخشنده. ترجمه کیوان عبیدی (۱۳۹۸). تهران: چشمه.
- محمدیان، بنت الهدی و فرقدانی، آزاده (۱۳۹۷). «اثربخشی آموزش فلسفه برای کودکان بر ارزیابی تعارض بین والدین و خودگردانی تحصیلی»، دو فصلنامه علمی-پژوهشی تفکر و کودک. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. سال نهم. شماره اول. صص ۲۷-۵۳.
- مرادآزادبهی، الناز، یاری قلی، بهبود و پیری، موسی (۱۳۹۹). «اثربخشی آموزش فلسفه به کودکان به روش اجتماع پژوهشی بر اضطراب تحصیلی دانش آموزان»، تفکر و کودک، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. دو فصل نامه علمی (مقاله علمی-پژوهشی)، سال یازدهم. شماره دوم. صص ۲۵۵-۲۳۳.
- مردوخی، سعید، کمر زرین، حمید و خالد نژاد، مونا (۱۳۹۸). «تأثیر آموزش راهبردهای فراشناختی بر عزت نفس تحصیلی، ادراک شایستگی و سلامت روان دانش آموزان دختر تیزهوش شهر کرج»، مجله رویش روانشناسی. سال ۸ شماره ۳. شماره پیاپی ۳۶. صص ۴۶-۳۷.
- منتظری، حمیدرضا، حسین پور، سید کمال و ارفع، فاطمه (۱۳۹۸). «تأثیر آموزش به روش پرسش گری بر انعطاف پذیری شناختی دانش آموزان پسر»، دومین همایش ملی آسیب های اجتماعی. تهران. صص ۶۵-۵۵.
- نلیسون، اولف (۲۰۰۹). تکوتنها تو این دنیا به این بزرگی. ترجمه فریده خرمی (۱۳۹۴). تهران: آفرینگان.
- نوروزی، رضا علی (۱۳۸۶). «بررسی کار فلسفی با کودکان از دیدگاه دانش آموزان مدارس شهر اصفهان»، فصلنامه نوآوری آموزشی، سال ششم، شماره ۲۳، صص ۱۲۳-۱۴۶.
- هاشم زاده، زینب، صابری، هایده و عالی، شهربانو (۱۳۹۸). بررسی اثر بخشی آموزش فلسفه به شیوه حلقه های کندوکاو بر نظریه ذهن دانش آموزان نابینا. فصلنامه تفکر و کودک. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. دو فصل نامه علمی-پژوهشی، سال دهم. شماره دوم. صص ۳۰۷-۲۸۹.

Affrunti, N. W., & Ginsburg, G. S. (2012). Maternal overcontrol and child anxiety: The mediating role of perceived competence. *Child Psychiatry & Human Development*, 43(1), 102-112.

Blackledge, J. T., & Hayes, S. C. (2006). Using acceptance and commitment training in the support of parents of children diagnosed with autism. *Child & Family Behavior Therapy*, 28(1), 1-18

Bloma, E., Berke, R., Shaya, N., & Adi-Japha, E. (2021). Cognitive flexibility in children with Developmental Language Disorder: drawing of nonexistent objects. *Journal of Communication Disorders*, 106137.

- Cassidy, C., Marwick, H., Deeney, L., & McLean, G. (2018). Philosophy with children, self-regulation and engaged participation for children with emotional-behavioural and social communication needs. *Emotional and Behavioural Difficulties*, 23(1), 81-96.
- Chen, X. (2009). Culture and early socio-emotional development. *Encyclopedia on early childhood development*, 1-6.
- Dajani, Dina R., Uddin, Lucina Q. (2017). Demystifying cognitive flexibility: Implications for clinical and developmental neuroscience. *Trends Neurosci*. 38(9): 571-578.
- Darby, K. P., Castro, L., Wasserman, E. A., & Sloutsky, V. M. (2018). Cognitive flexibility and memory in pigeons, human children, and adults. *Cognition*, 177, 30-40.
- Dweck, C. S., & Elliot, A. J. (Eds.). (2005). *Handbook of competence and motivation*. New York: Guilford Press.
- Greco, L. A., Lambert, W., & Baer, R. A. (2008). Psychological inflexibility in childhood and adolescence: development and evaluation of the Avoidance and Fusion Questionnaire for Youth. *Psychological assessment*, 20(2), 93.
- Greenberg, M. T., Domitrovich, C. E., Weissberg, R. P., & Durlak, J. A. (2017). Social and emotional learning as a public health approach to education. *The future of children*, 13-32.
- Hayes, S. C., Strosahl, K. D., & Wilson, K. G. (2011). *Acceptance and commitment therapy: The process and practice of mindful change*. Guilford Press.
- Haynes, J. (2008). *Children as philosophers: Learning through enquiry and dialogue in the primary classroom*. Routledge.
- Juha ák, L., Zounek, J., Záleská, K., Bárta, O., & Vl ková, K. (2019). The relationship between the age at first computer use and students' perceived competence and autonomy in ICT usage: A mediation analysis. *Computers & Education*, 141, 103614.
- Marsh, H. W., Ellis, L. A., & Craven, R. G. (2002). How do preschool children feel about themselves? Unraveling measurement and multidimensional self-concept structure. *Developmental psychology*, 38(3), 376.
- Murris, K. (2016). The Philosophy for Children curriculum: Resisting 'teacher proof' texts and the formation of the ideal philosopher child. *Studies in Philosophy and Education*, 35(1), 63-78
- Peterson, A., & Bentley, B. (2015). Exploring the connections between Philosophy for Children and character education: Some implications for moral education?. *Journal of Philosophy in Schools*, 2(2).
- Redfield, J. L. (2008). *The influence of an educational coaching model on children's perceived competence and self-esteem* (Doctoral dissertation, Capella University).
- Splitter, L. J., & Sharp, A. M. (1995). *Teaching for better thinking: the classroom community of inquiry*. Australian Council for Educational Research, Ltd., 19 Prospect Hill Rd., Camber well, Melbourne, Victoria, 3124 Australia..
- Trickey, S., & Topping*, K. J. (2004). 'Philosophy for children': a systematic review. *Research papers in Education*, 19(3), 365-380.

اثربخشی اجرای برنامه فلسفه برای کودکان ... (علی اکبر کیبیری و دیگران) ۲۶۳

Wang, Y., Chen, J., & Yue, Z. (2017). Positive emotion facilitates cognitive flexibility: An fMRI study. *Frontiers in psychology*, 8, 1832.

Wentzel, K. R., Tomback, R., Williams, A., & McNeish, D. (2019). Perceptions of competence, control, and belongingness over the transition to high school: A mixed-method study. *Contemporary Educational Psychology*, 56, 55-66.

